

مطالعه‌ی جامعه‌شناختی کاربرد گویش محلی یا زبان فارسی معیار در جامعه زبانی لامرد

ابراهیم صفائی، فاطمه صفائی



چکیده

هدف از این مطالعه بررسی استفاده از دو گونه‌ی زبانی یعنی زبان فارسی معیار و گویش محلی در جامعه زبانی لامرد می‌باشد. برای کاوش در این زمینه با استفاده از روش تجزیه و تحلیل حوزه قلمرو زبانی، این دو گونه‌ی ارتباطی در ده حوزه شامل هویت، خانواده، محله، مکالمات روزمره، مکالمه مقام زیردست با مقام بالادست، مکالمه مقام بالادست با مقام زیر دست، بازار، مراسم‌ها و آئین‌ها، آموزش و اداری مورد بررسی قرار گرفت. با استفاده از پرسشنامه‌ی محقق ساخته صد آزمودنی متشکل از دانشجویان، کارمندان و اساتید دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد شامل ۵۰ نفر دختر و ۵۰ پسر لامردی و از طریق نمونه‌گیری قضاوتی مورد ارزیابی قرار گرفتند تا نگرش خود را نسبت به استفاده از این دو گونه‌ی زبانی در حوزه‌های مختلف بیان کنند. یافته‌ها حاکی از این بود که در تمامی حوزه‌ها (بجز حوزه‌ی خانواده)، زبان فارسی بیشتر از گویش محلی با تفاوت معناداری مورد استفاده قرار می‌گرفت. در حوزه‌ی خانواده، تمایل به استفاده از گویش محلی بعنوان وسیله ارتباطی معنی‌دار بود. تجزیه و تحلیل بیشتر داده‌ها نشان داد که آزمودنی

کلیدواژه: جامعه‌ی زبانی، زبان فارسی، گویش محلی، حوزه‌ی قلمرو زبانی

های زن در تمامی حوزه‌ها (بجز حوزه‌ی خانواده) تمایل به استفاده از زبان فارسی بیشتر از گویش محلی داشتند اگر چه این تفاوت فقط در حوزه‌های مکالمات روزمره، مکالمه مقام پائین تر با بالاتر، بازار و اداری از نظر آماری معنادار بود.

۱- مقدمه

مطالعه‌ی حاضر به بررسی وضعیت کاربرد گویش محلی لامرد در جامعه‌ی زبانی شهر لامرد می‌پردازد. شهرستان لامرد با ۴۰۳۵ کیلومتر مربع مساحت در جنوبی‌ترین نقطه استان فارس واقع شده است. این شهرستان از طرف شمال به شهرستان لارستان و از طرف جنوب و شرق با استان هرمزگان و از طرف جنوب و غرب با شهرستان مَهر و استان بوشهر همسایه می‌باشد. سخن در مورد ریشه گویش لامردی نیاز به بررسی بیشتر دارد ولی اجمالاً شاید بتوان گفت که این گویش مشترکات زیادی با گویشهای بوشهری و لری دارد که البته در مواردی از نظر دستور، معنا و آواشناسی دارای تفاوت‌های اساسی است، بطوری که تقریباً بصورت خیلی راحت می‌توان گویشوران هر یک از آنها را از یک دیگر تشخیص داد.

در دهه‌های اخیر و به ویژه بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ لامرد بعنوان منطقه‌ای محروم مورد توجه دولتمردان بوده و از رهگذر این توجه روز به روز شاهد توسعه در ابعاد مختلف بوده و هستیم، شهرستان لامرد طبق مصوبه هیات دولت در سال ۱۳۸۴ در حوزه‌ی نفوذ منطقه پارس جنوبی قرار دارد. علاوه بر آن شهرستان لامرد و مناطق همجوار آن با داشتن منابع عظیم گازی شامل ۱. حوزه‌ی گازی تابناک (تراکمه)، ۲. مخزن گاز شانول (کوه خلیلی)، ۳. مخزن گازی وراوی، ۴. مخزن گازی آغار، ۵. مخزن گازی دالان، ۶. حوزه‌ی گازی پارس جنوبی، ۷. مخزن گازی عسلویه و داشتن معادن سیمان، سنگ گچ و شن و ماسه و مستقر شدن شرکتهای وابسته به صنایع استخراج گاز و صنایع زیر دستی و بالادستی آن در حال گذار از یک جامعه سنتی به یک جامعه صنعتی است. همچنین مراکز صنعتی مربوط به صنایع گاز، احداث کارخانه‌ی ذوب آلومینیم و کارخانه‌ی سیمان نیز لامرد را تبدیل به یک شهر صنعتی کرده است.

این روند باعث شده این شهرستان از بافت سنتی خود خارج شده و تبدیل به بافتی شهری با الگوهای متفاوت و در ابعادی مختلف شود. ابعاد این تحول می‌تواند در جنبه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ... مورد توجه محققان قرار گرفته و مطالعه شود. توسعه پایدار می‌تواند راهگشای این مسیر باشد که می‌بایست مورد توجه خواص و عوام قرار گیرد. اگر مطالعات کارشناسانه پیرامون این تحولات انجام گرفته و در برنامه ریزیهای مربوطه مورد توجه قرار گیرد، می‌توان این توسعه را امری مبارک و میمون قلمداد کرد که سعادت و رفاه یک جامعه را موجب می‌شود و گرنه ابعاد این توسعه بسان ابعاد قامت یک کاریکاتور



خواهد ماند که گر چه در بعضی ابعاد مثل شکم گنده است ولی مثلا پاهای ضعیفی دارد که توان ایستادن یا راه رفتن را ندارد.

یکی از ابعاد این توسعه مسئله ی زبان می باشد. زبانها در سیر تاریخی خود دچار تغییر می شوند اما بعضی اوقات این تغییر تدریجی و طبیعی نبوده و آنوقت است که می تواند مسئله ساز بوده و به زوال یا مرگ آنها منجر شود. مرگ زبان یا گویش زمانی فرا می رسد که دیگر گویشوری برای آن زبان یا گویش نباشد. اساسا عوامل مؤثر در زوال زبانها «غیر زبانی»^۱ هستند (سوادش^۲، ۱۹۴۸:۲۳۵)؛ به عبارت دیگر مرگ یک زبان به دستور، معنا یا آوای زبان در حال انقراض مربوط نمی شود بلکه عواملی خارج از زبان بر زوال آن تاثیر می گذارد. فهرست بلند عوامل تعیین کننده ی زوال زبانها متعدد است (ر. ک. به کمپبل^۳ ۱۹۹۴)، اما رایج ترین آنها می تواند شامل عوامل اجتماعی-اقتصادی^۴ و اجتماعی-سیاسی^۵ باشد. عوامل اجتماعی-اقتصادی شامل «کمبود موقعیت های اقتصادی، تحولات اقتصادی سریع، صنعتی شدن روبه رشد، الگوی کار، نیروی کار مهاجر، اسکان مجدد، مهاجرت^۶ و غیره» می باشد. عوامل اجتماعی-سیاسی می تواند شامل «سیاستهای زبان رسمی، تبعیض، انگ زدن (به زبان یا گویشی خاص)، کنترل زبانی خاص، جنگ^۷ و غیره» باشد. (جنس^۸، IX: ۲۰۰۳).

با توجه به روند توسعه ی صنعتی لامرد در دهه های اخیر، عوامل اجتماعی-اقتصادی و اجتماعی-سیاسی می تواند بر سبک زندگی شهروند لامردی اثرات عمیقی داشته باشد. تحقیق حاضر تلاشی است در جهت تعیین وضعیت گویش محلی شهر لامرد تا مشخص شود در روند این توسعه وضعیت این گویش چگونه خواهد بود. آیا مردم با توسعه ی شهر نشینی و پیشرفت صنعتی، اجتماعی، اقتصادی و ... به گویش خویش پایبند خواهند بود یا این گویش در مسیر تغییر ناگهانی قرار گرفته و رو به انقراض است. بنظر می رسد که طرح مسئله گویش محلی این سؤال را به ذهن متبادر می کند که گویش محلی در توسعه ی پایدار چه نقشی می تواند ایفا کند تا ارزش این را داشته باشد که در روند توسعه پایدار مورد توجه قرار گیرد. پاسخ به این سؤال به ارتباط زیربنایی ای بر می گردد که بین زبان و فکر و زبان و فرهنگ وجود دارد.

۱-۱- زبان و فکر

اهل منطق معتقدند زبان ماده فکر است. مردم عادی ممکن است چنین تصور کنند که انسان

^۱ non-linguistic

^۲ Swadesh

^۳ Campbell

^۴ Socioeconomic factors

^۵ Sociopolitical factors

^۶ Lack of economic opportunities, rapid economic transformations, on-going industrialization, work patterns, migrant labor, resettlement, migration

^۷ Official language policies, discrimination, stigmatization, repression, war

^۸ Janse



نخست فکر می کند و سپس افکار خود را در قالب الفاظ می ریزد و بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استفاده از الفاظ ممکن نیست. حتی وقتی آدمی لب از سخن فرو بسته و به اندیشه فرو رفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ به تفکر می پردازد و به قول حکما گوئی با خود حدیث نفس یا نجوی می کند؛ یعنی همین که مثلاً تصور مدرسه و معلم و کتاب و ... به ذهن بیاید؛ بی درنگ و بلافاصله الفاظ معادل آنها نیز در ذهن خطور می کند و همین جهت تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند. در مقابل، نطق ظاهر با الفاظ مسموع انجام می شود (خوانساری، ۱۳۷۹).

بنابراین پرورش ذهنی و فکری انسان و از قوه به فعل در آوردن استعدادها جز با به بکار بردن الفاظ (زبان) امکان پذیر نیست؛ زیرا معانی مجرد و انتزاعی تنها به وسیله ی الفاظ کلی به شخص آموخته می شود؛ و بدین شکل موجب شکفتن استعدادها می گردد و آدمی را از محسوس به معقول منتقل می سازد. اگر با کودکی اصلاً سخن نگویید ذهن او از مرحله ی کودکی فراتر نمی رود و هرگز به رشد و کمال لازم نمی رسد (همان).

پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه ی درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال علوم، دانشها، فرهنگ و تمدن به دیگران می شود و آموزش، پرورش و پژوهش بدون کمک آن ممکن نیست و به همین جهت آموزش ناشنویان و بالا بردن سطح اندیشه و معلومات آنان به مراتب دشوارتر از آموزش نابینایان است (خوانساری، همان).

بعضی از متفکرین دیگر نظیر مظفر (۱۳۶۶:۳۹) نیز همین عقیده را دارند:

... از اینجا معلوم می شود که این ارتباط بین لفظ و معنی چگونه در تفکر انسان مؤثر است. انسان وقتی معنایی را در ذهن خود خطور می دهد، یک لفظ هم همراه آن در ذهن به یاد می آورد، حتی از این بالاتر انسان وقتی در ذهن خود معنایی را به معنای دیگری منتقل می کند، این کار را توسط الفاظ در ذهن خود انجام می دهد. بدین سبب است که ما غالباً در می یابیم که تفکر ما در حدود هر موضوعی که باشد با تخیل الفاظ توأم است. چنانکه معانی را در ذهن خود توسط الفاظ نجوی می کنیم و در ذهن خود معانی را مطابق ترتیب الفاظ مرتب و منظم می کنیم؛ درست مثل وقتی که با دیگران سخن می گوئیم.

خواجه نصیر طوسی در کتاب شرح اشارات گفته است: «انتقالات ذهنی توسط الفاظ ذهنی انجام می شود و این به موجب علاقه و ارتباط مذکور (الفاظ و فکر) در ذهن است. (او [در اینجا] به علاقه لفظ و معنی اشاره می کند) اگر شخص اندیشمند (در تفکر خود) دچار اشتباه شود و در استعمال الفاظ خطا کند و معنی الفاظ در نظر او تغییر کند، این دگرگونی در افکار و انتقالات ذهنی او مؤثر

است و این به سبب علاقه فوق‌الذکر است» (به نقل از مظفر، ۳۹: ۱۳۶۶).
 همچنین ویگوتسکی^۱ (به نقل از لوند^۲، ۲۰۰۳) معتقد است که زبان و فکر در چند سال اول زندگی کودک به تدریج به هم مرتبط می‌شود. نمونه‌ی این ارتباط بین فکر و زبان در مرحله صحبت با خود^۳ یا صحبت درونی^۴ کودک مثلاً زمانی که با اسباب بازی خود مشغول بازی است و فردی یا افرادی در اطراف او نیست که با آنها صحبت کند، اتفاق می‌افتد. در این مرحله کودک افکار خود را در قالب زبان می‌ریزد و بعبارتی دیگر افکار خود را به زبان می‌آورد در حالیکه با کسی در حال صحبت نمی‌باشد و تنها با اسباب بازیهای خود مشغول بازی است.
 همچنین مفهوم جبر زبانی^۵ در فرضیه‌ی سپیر-وورف^۶ می‌گوید که زبان فکر را تعیین می‌کند. این نظریه معتقد است که زبان بر روش درک و تفکر انسانها در مورد جهان بیرونی تأثیر دارد. این فرضیه بر تفاوت بین واژگان و دستور زبان زبانهای مختلف تأکید کرده و می‌گوید که متکلمین زبانی خاص متمایلند که جهان را از زاویه‌ی دید مخصوص به آن زبان ببینند و به آن از زاویه‌ی دید زبان خاص خود می‌نگرند (لوند، ۲۰۰۳).

۱-۲- زبان و فرهنگ

زبانی که در یک جامعه صحبت می‌شود وسیله‌ای است ارتباطی که رابطه‌ی بسیار نزدیکی با فرهنگ آن جامعه دارد. فرهنگ جامعه شامل هر آن چیزی است که فرد می‌بایستی بداند یا باور داشته باشد تا بتواند به نحو قابل قبولی با اعضای دیگر آن جامعه تعامل داشته باشد.
 زبان وسیله‌ی ارتباطی اصلی است که ما زندگی اجتماعی خود را با آن می‌سازیم. وقتی زبان در ارتباطات کلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد به طرق مختلف با فرهنگ در می‌آمیزد. اساساً کلماتی که مردم بکار می‌برند به تجارب مشترکشان دلالت دارد. این کلمات بیان‌کننده‌ی حقایق، عقاید یا وقایعی هستند که قابلیت ارتباطی دارند زیرا در برگیرنده‌ی اطلاعاتی در مورد جهان هستند که مردمان دیگر نیز در آنها شریکند. کلمات منعکس‌کننده‌ی نگرش‌ها، باورها و نقطه‌نظرات افراد نیز هستند. بطور خلاصه زبان بیان‌کننده‌ی حقایق فرهنگی مردمانی است که با آن صحبت می‌کنند (کرمچ^۷، ۲۰۰۹).

ارتباط نزدیک بین زبان و فرهنگ محور مطالعات جامعه‌شناسی زبان بوده است. بسیاری از

^۱ Vygotsky

^۲ Lund

^۳ Self talk

^۴ Inner speech

^۵ Linguistic determinism

^۶ Sapir-Whorf Hypothesis

^۷ Kramsch

زبان‌شناسان معتقدند که زبان و فرهنگ آنچنان بهم آمیخته شده‌اند که نمی‌توان یکی را بدون شناخت دیگری درک کرد. رابطه زبان و فرهنگ تعاملی است و هر یک بر دیگری تأثیرگذار است. بطور خلاصه رابطه زبان با فرهنگ رابطه‌ی جزء است به کل. دانش و باورهایی که به وجود آورنده‌ی فرهنگ مردم است معمولاً در زبان آن مردم کدگذاری شده و به دیگران منتقل می‌شود.

۱-۳- هدف

بنابر آنچه در بالا گفته شد، مطالعه حاضر تلاشی برای بررسی موضوع گویش محلی لامرد و ارتباط آن با توسعه پایدار است که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. چنانکه بحث شد زبان بعنوان بخشی از فرهنگ و نیز ارتباط آن با تفکر می‌بایست در روند توسعه بعنوان عنصری زیربنایی و تأثیرگذار مورد مذاقه قرار گیرد. جهت نیل به این مقصود، در این تحقیق کاربرد زبان فارسی معیار و گویش محلی در حوزه‌های مختلف اجتماعی در جامعه زبانی لامرد مورد بررسی قرار گرفته است. در واقع، نتیجه این تحقیق می‌بایست به این سؤال کلی پاسخ دهد که در حوزه‌های مختلف ارتباطات زبانی شهروند لامردی متمایل به استفاده‌ی از کدام وسیله‌ی ارتباطی (گویش محلی و یا زبان فارسی) است؟

حوزه‌های مختلف ارتباطات زبانی که در این مطالعه مورد بررسی واقع شده‌اند عبارتند از: (۱) هویت، (۲) خانواده، (۳) محله، (۴) مکالمات روزمره، (۵) مقام پایین‌تر به بالاتر، (۶) مقام بالاتر به پایین‌تر، (۷) بازار، (۸) آیین‌ها و مراسم‌ها، (۹) آموزش و (۱۰) اداری. تعریف هر یک از حوزه‌ها چندان مبهم به نظر نمی‌رسد، اما برای روشن‌تر شدن موضوع اشاره‌ای گذرا لازم است. مثلاً منظور از حوزه‌ی هویت در استفاده‌ی از وسیله ارتباطی اینست که آیا شهروند لامردی در مواقعی که تکلم با گویش محلی باعث می‌شود که هویت خویش را بعنوان دوست دارد که خود واقعی خویش (هویت لامردی) را پنهان کرده و از زبان فارسی بعنوان وسیله‌ی ارتباطی استفاده کند و یا خود واقعی خویش را با استفاده از گویش محلی بعنوان بخشی از هویت خویش بروز دهد؟ حوزه‌های دیگر نظیر خانواده، محله و ... به همین شکل است. مثلاً در زندگی خانوادگی ارتباطات کلامی او با کدامین وسیله ارتباطی صورت می‌گیرد. آیا در خانواده تمایل به استفاده از گویش محلی بیشتر است یا زبان فارسی؟ یا در محله تمایل به کدام وسیله ارتباطی بیشتر است؟ و قس علی هذا در حوزه‌های دیگر.

نکته دیگر در مورد حوزه‌ها اینست که دایره‌ی شمول این حوزه‌ها به ترتیب از درون فرد (هویت



او) شروع شده و بعد حوزه ی خصوصی او (یعنی خانواده)، حوزه ی بیرونی تر (یعنی محله) و حوزه های اجتماعی تر مانند حوزه ی بازار، آئین ها و مراسم ها، آموزش و اداری را فرا می گیرد. یعنی روند حوزه ها از درونی تر به بیرونی تر سوق می یابد و این گستردگی دایره ی شمول حوزه ها بخاطر بالاتر بردن روائی محتوایی^۱ پرسشنامه ی مورد استفاده در این مطالعه صورت گرفته است.

۴-۱- سؤالات تحقیق

۱. آیا تفاوت معنی داری میان مردان و زنان در حوزه های مختلف وجود دارد؟
۲. آیا تفاوت معنی داری بین استفاده ی از زبان فارسی و گویش محلی در حوزه های مختلف اجتماعی وجود دارد؟
۳. آیا تفاوت معنی داری میان مردان و زنان و استفاده از زبان فارسی و گویش محلی وجود دارد؟ لازم به توضیح است که سؤال اول، دوم و سوم به تنهایی شامل ۱۰ سؤال به تفکیک در هر حوزه می شود که بدلیل ایجاز در یک پرسش خلاصه شده است، اما پاسخ به هر یک بصورت جداگانه در حوزه ی مربوطه آورده خواهد شد.

۲- اهمیت موضوع

در این قسمت به اهمیت موضوع از نگاه قرآن کریم (بخش ۲-۱-) و از نگاه زبانشناسان (بخش ۲-۲-) پرداخته می شود.

۲-۱- اهمیت گونه گونگی زبانها و گویش ها از دیدگاه قرآن کریم

همچنانکه در آیه ذیل تصریح شده است، آفرینش آسمانها و زمین، گونه گونگی زبانها و رنگها از آیات و نشانه های خداوند ذکر شده است. از تأملی مختصر در این آیه شاید بتوان چنین نتیجه گیری کرد که زوال هر یک از این آیات می تواند موجب نقصانی بزرگ برای حیات بشر بشود طوری که اگر مثلاً آسمانها یا زمین زوال یابند، آنگاه عمر جهان به پایان خواهد رسید. بنابراین زوال زبانها یا گویش ها و یا یکی کردن آنها بطوری که همه ی مردم با یک زبان صحبت کنند، می تواند چرخه یا جنبه ی فکری یا معنوی و ای بسا مادی حیات را با مشکل مواجه کند. چنانکه در قسمت پیشین آیه در مورد خلقت آسمانها و زمین واضح و آشکار است که اینها از آیات و نشانه های خداوند کریم هستند، به نظر می رسد که زوال و نابودی هر یک از آنها برابر با نابودی حیات بشری باشد.

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَالِدَاتُ لِآبَائِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ (۲۲ روم)

^۱Content validity



و از آیات او آفرینش آسمان، و زمینه و تفاوت زبانها و رنگهای شماست؛ در این نشانه‌هایی است برای عالمان!

۲-۲- اهمیت گونه‌گونگی زبانها و گویش‌ها از دیدگاه زبان‌شناسان

مطالعات صورت گرفته در زمینه‌ی جامعه‌شناسی زبان دال بر اینست که همه‌ی زبان‌شناسان معتقد به حفظ گونه‌های زبانی و گویش‌ها هستند و از نظر آنان انقراض یک زبان یا گویش خاص می‌تواند به آکو سیستم اجتماعی انسان آسیب جبران‌ناپذیری وارد کند. بعنوان مثال کن هیل (۱۹۹۲، به نقل از یارمحمدی ۱۳۷۴) معتقد است که اگر روزی همه مردم یک جور حرف بزنند و یک جور فکر کنند و تنوع وجود نداشته باشد، آن روز پایان عمر زبانی بشر است و دیگر خلاقیتی وجود نخواهد داشت. همچنین یارمحمدی (۱۳۷۴) معتقد است که هر زبان و گویشی آینه‌ی تمام‌نمای جهان بینی و فرهنگی بسیار پیچیده‌ای است که نشان می‌دهد اقوام چگونه به جهان نگرسته‌اند و می‌نگرند؛ نظام فکری و فلسفه زندگی آنها چگونه شکل گرفته است و به چه طریق به حل مشکلات خود پرداخته‌اند.

با توجه به اهمیت موضوع گونه‌گونگی زبانها و گویش‌ها دغدغه‌ی اساسی برای فرهیختگان بطور اعم و برای زبان‌شناسان، جامعه‌شناسان و سازمانهای بین‌المللی مانند یونسکو بطور اخص اینست که آیا خطر انقراض گویش‌ها ی محلی کمتر از خطر انقراض گونه‌های جانوری است که جانورشناسان در پی ممانعت از آن هستند؟

۳- پیشینه‌ی تحقیق

در مطالعات مربوط به تجزیه و تحلیل قلمرو زبانی به تعدادی از تحقیقات انجام شده در خارج و داخل کشور اشاره می‌شود. گرینفیلد^۱ (۱۹۷۲) با استفاده از این روش استفاده‌ی از زبان اسپانیایی و انگلیسی را در حوزه‌های مختلف بررسی کرد و نتیجه‌ی آن نشان داد که زبان اسپانیایی بیشتر در حوزه‌ی «صمیمیت»^۲ حاکمیت دارد. لوسا^۳ (۱۹۷۵) تحقیقی در مورد استفاده‌ی از زبان اسپانیایی و انگلیسی در سه بافت اجتماعی خانواده، کلاس درس و فعالیتهای تفریحی در مدرسه انجام داد و نتیجه‌ی حاکی از این بود که زبان اسپانیایی در حوزه خانواده بیشتر، در حوزه‌ی محیط‌های تفریحی کمتر و در حوزه‌ی کلاس درس کمترین استفاده را دارد. پاراشر^۴ (۱۹۸۰) در هند تحقیقی را انجام داد که هدف از آن مشخص کردن کاربرد زبان انگلیسی و یکی از پنج گونه‌ی زبانی موجود در هند

^۱Greenfield

^۲Intimate Domain

^۳Losa

^۴Parasher

در حوزه های مختلف اجتماعی بود و یافته ها حاکی از آن بود که حوزه ی خانواده تنها حوزه ای است که زبان مادری یعنی یکی از گونه های هندی در آن صحبت می شود و زبان انگلیسی در بقیه ی حوزه ها بکار می رود.

در ایران نیز مطالعاتی در این خصوص صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می شود. محمدی (۱۳۷۵/۱۹۹۶) مطالعه ای را در شهرستان ممسنی روی کاربرد گویش لُری و زبان فارسی در حوزه های اجتماعی انجام داده است. یافته ها حاکی از این اینست که گویش لُری در همه ی حوزه ها استفاده می شود. مطالعه ی بعدی توسط فریدونی (۱۳۷۷/۱۹۹۸) در شهرستان ارومیه که شهری چند زبانه است، انجام گرفت. ایشان بر اساس زبانهای موجود (کردی، ترکی و ارمنی) ۱۳۶ نفر را از میان گروه های نژادی سه زبان مذکور بصورت تصادفی انتخاب کرد و متغیرهای سن، سطح تحصیلات، جنسیت را لحاظ کرد. با استفاده از پرسشنامه داده های گردآوری شده حاکی از آن بود که تنها سطح تحصیلات در انتخاب زبان های موجود تأثیر دارد و در گروه ترک ها زبان ترکی در همه ی حوزه ها بجز آموزش استفاده می شود. مهرپور (۱۳۸۶) مطالعه ای در مورد استفاده از زبان فارسی و زبان لاکِی در جامعه ی زبانی تالخادش در شیراز انجام داد. در این تحقیق استفاده از این دو گونه ی زبانی در شش حوزه ی زبانی شامل حوزه ی دوستی، همسایگی، معاملات، اشتغال، اداری و آموزش با استفاده از ۳۰ نفر از همین جامعه زبانی مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج نشان داد که زبان لاکِی بیشتر از زبان فارسی در حوزه خانواده مورد استفاده قرار می گیرد و در حوزه ی دوستی هر دو زبان بصورت مساوی استفاده می شود. در حوزه های اجتماعی دیگر، زبان فارسی بیشتر از زبان لاکِی بکار برده می شود. همچنین مشخص شد که زنان بیشتر از مردان از زبان لاکِی استفاده می کنند گرچه از نظر آماری این تفاوت معنادار نیست. داوری اردکانی (۱۳۸۷) با استفاده از ۳۵۰ نفر به بررسی وضعیت گویش نائینی و فارسی معیار در شهر نائین می پردازد. نتایج حاصله از این مطالعه نشان می دهد که تقریباً شهروندان نائینی اعم از زن و مرد در حوزه های مختلف ارتباطات زبانی حتی در خانه از زبان فارسی معیار استفاده می کنند. با استفاده از نتایج بدست آمده ایشان نتیجه می گیرند که گویش نائینی در معرض خطر است.

۴- روش تحقیق

با استفاده از نمونه گیری قضاوتی به تعداد ۱۰۰ دانشجو و کارمند (۵۰ پسر و ۵۰ دختر، میانگین سنی ۲۴ سال) پرسشنامه ای با ۲۱ سؤال شامل ده حوزه ی زبانی داده شد و از آنها خواسته شد تا با استفاده از شاخص لیکرت تعیین کنند که در هر یک از این حوزه ها ترجیحاً از کدام وسیله

^۱Purposive or Judgmental Sampling

ارتباطی (زبان فارسی معیار یا گویش محلی) استفاده می کنند. برای بالا بردن پایایی پرسشنامه ی مذکور در مرحله آزمایشی روی ۵۰ نفر آزمودنی امتحان شد و نتایج حاصله از طریق محاسبه ی ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ بر آورد شد که رقم قابل قبولی است. برای بالا بردن روایی پرسشنامه ابتدا ۴۰ سوال طرح شد و در مشورت با چند تن از افراد صاحب نظر سؤالات مورد بازنگری قرار گرفت. ضمن کاهش تعداد سؤالات، تغییراتی در قالب و محتوای بعضی از آنها انجام شد بطوریکه بتواند ضمن سادگی شاخص های مورد نظر را به گونه ای صریح و شفاف در معرض قضاوت آزمودنیها قرار دهد.

۵- یافته های تحقیق

با توجه به حضور دو عامل جنسیت و وسیله ی ارتباطی، جهت پاسخگویی به سؤالات این تحقیق از تحلیل واریانس دو عاملی (دو طرفه) استفاده شده است که نتایج بدست آمده در قالب جداول و نمودارهای مربوط به هر ده حوزه ی زبانی شامل هویت، خانواده، همسایگی، مکالمات روزمره، مکالمه مقام زیردست با مقام بالادست، مکالمه مقام بالادست با مقام زیر دست، بازار، مراسم ها و آئین ها، آموزش و اداری نشان داده شده است.

نتایج بدست آمده به سه گروه تقسیم می شود. علت این گروه بندی مشابهت نتایج بدست آمده در هر دسته است. تفسیر نتایج نیز در بالای جداول و نمودارهای مربوط به هر دسته ارائه شده است.

دسته ی اول (بخش ۵-۲-) شامل حوزه ی خانواده است که نتایج حاصله حاکی از معنادار بودن کاربرد گویش محلی است. این بخش تنها شامل جدول و نمودار حوزه ی خانواده می شود. دسته ی دوم (بخش ۵-۳-) شامل جداول و نمودارهای مربوط به حوزه های هویت، محله، مکالمه مقام بالاتر با پایین تر، آئین ها و مراسم ها و آموزش می شود. در این حوزه ها نتایج حاصله حاکی از معنا دار بودن کاربرد زبان فارسی معیار می باشد. دسته ی سوم (بخش ۵-) شامل حوزه های مکالمات روزمره، مکالمه مقام پائین تر با بالاتر، بازار و اداری می شود. در این حوزه ها نتایج حاصله حاکی از معنا دار بودن اثر متقابلی است بدین معنی که زنان بیشتر از مردان از زبان فارسی معیار استفاده می کنند.

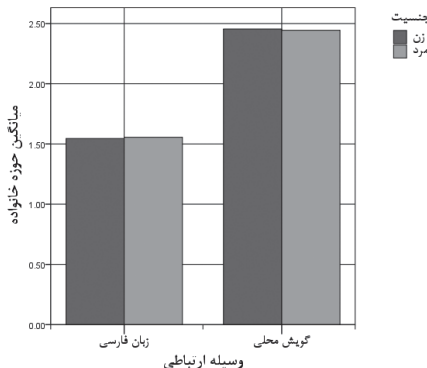
۵-۲- دسته ی اول (حوزه خانواده)

با توجه به P- مقدارهای بدست آمده (جدول ۱) ملاحظه می شود که اثر متقابلی میان دو عامل

جنسیت و وسیله ی ارتباطی وجود ندارد ($P > 0.05$ - مقدار)، اما با توجه به مقدار بدست آمده برای وسیله ی ارتباطی ($P = 0.000$ - مقدار)، بین میانگین استفاده از زبان فارسی معیار و گویش محلی تفاوت معنی داری وجود دارد.

جدول ۱: حوزه خانواده		
منبع تغییرات	مقدار آماره (F)	P-مقدار
جنسیت	000/0	000/1
وسيله ارتباطی	601/17	0001/0*
اثر متقابل	002/0	962/0

با توجه به عدم وجود اثر متقابل و نمودار میانگین (نمودار ۱)، اینگونه استنباط می شود که در حوزه ی خانواده تمایل به گویش محلی بیشتر از زبان فارسی است و این هم در مورد مردان و هم در مورد زنان صادق است.



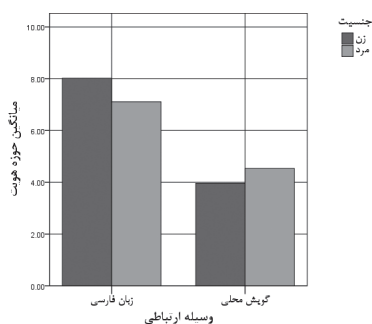
نمودار ۱: حوزه خانواده

۵-۳- دسته ی دوم (حوزه هویت، محله، مکالمه مقام بالاتر با پایین تر، آئین ها و مراسم ها و آموزش)

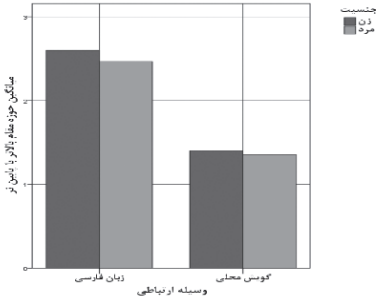
دسته ی دوم (بخش ۵-۳-) شامل جداول و نمودارهای مربوط به حوزه های هویت (جدول ۲ و نمودار ۲)، محله (جدول ۳ و نمودار ۳)، مکالمه مقام بالاتر با پایین تر (جدول ۴ و نمودار ۴)، آئین ها و مراسم ها (جدول ۵ و نمودار ۵) و آموزش (جدول ۶ و نمودار ۶) می شود.

با توجه به P -مقدارهای بدست آمده ملاحظه می شود که اثر متقابلی میان دو عامل جنسیت و وسیله ی ارتباطی وجود ندارد ($P > 0/05$ - مقدار)، اما با توجه به مقدار بدست آمده برای وسیله ی ارتباطی ($P = 0/000$ - مقدار)، بین میانگین استفاده از زبان فارسی و گویش محلی تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه به عدم وجود اثر متقابل و نمودار میانگین-ها، ملاحظه می شود که در این حوزه های زبانی تمایل به زبان فارسی بیشتر از گویش محلی است و این هم در مورد مردان و هم در مورد زنان صادق است. همچنین بجز حوزه مراسم ها و آیین ها در بقیه ی حوزه ها زنان اندکی بیشتر از مردان به استفاده از زبان فارسی بعنوان وسیله ارتباطی تمایل دارند.

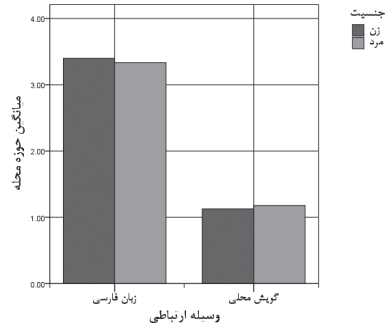
جدول ۲: حوزه هویت		جدول ۳: حوزه محله		
مقدار P	مقدار آماره (F)	مقدار P	مقدار آماره (F)	منبع تغییرات
710,0	139,0	959,0	003,0	جنسیت
000,0*	545,3	000,0*	941,199	وسيله ارتباطی
105,0	655,2	709,0	140,0	اثر متقابل
جدول ۴: حوزه مقام بالاتر با پائین تر		جدول ۵: حوزه آئین ها و مراسم ها		
مقدار P	مقدار آماره (F)	مقدار P	مقدار آماره (F)	منبع تغییرات
627,0	237,0	973,0	001,0	جنسیت
000,0*	996,39	003,0*	301,9	وسيله ارتباطی
808,0	059,0	647,0	210,0	اثر متقابل
جدول ۶: حوزه آموزش				
	مقدار P	مقدار آماره (F)	منبع تغییرات	جنسیت
		988,0	000,0	
		000,0*	177,206	وسيله ارتباطی
		624,0	240,0	اثر متقابل



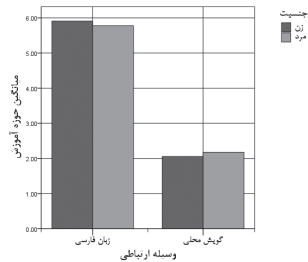
نمودار ۲: حوزه هویت



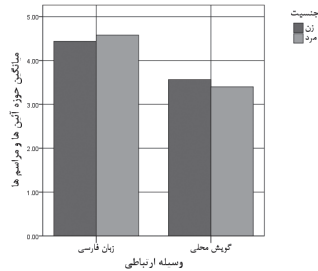
نمودار ۴: حوزه مقام بالاتر با پائین تر



نمودار ۳: حوزه محله



نمودار ۶: حوزه آموزش



نمودار ۵: حوزه آئین ها و مراسم ها

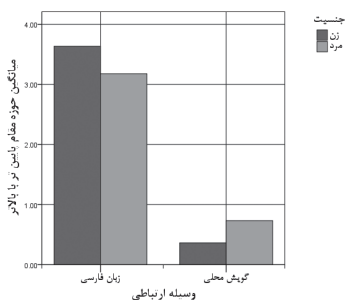
۴-۵- دسته ی سوم (حوزه مکالمات روزمره، مکالمه مقام پائین تر با بالاتر، بازار و اداری) دسته ی سوم شامل حوزه های مکالمات روزمره (جدول ۷ و نمودار ۷)، مکالمه مقام پائین تر با بالاتر (جدول ۸ و نمودار ۸)، بازار (جدول ۹ و نمودار ۹) و اداری (جدول ۱۰ و نمودار ۱۰) می شود. با توجه به P -مقدارهای بدست آمده از جداول فوق ملاحظه می شود که میان دو عامل جنسیت و وسیله ی ارتباطی، اثر متقابل وجود دارد ($P < 0.05$ -مقدار)، همچنین با توجه به مقدار بدست آمده برای وسیله ی ارتباطی ($P = 0.000$ -مقدار)، بین میانگین استفاده از زبان فارسی و گویش محلی تفاوت معنی داری وجود دارد.

اگر چه میانگین استفاده از زبان فارسی در این حوزه ها بیشتر است، اما از آنجا که اثر متقابل معنی دار است می توان اینگونه نتیجه گرفت که میانگین استفاده ی از زبان فارسی برای زنان بیشتر از مردان می باشد در حالیکه این روند در مورد گویش محلی معکوس است؛ یعنی اینکه مردان نسبت به زنان بیشتر از گویش محلی استفاده می کنند، با این وجود همه ی گویشوران متمایل به استفاده ی از زبان فارسی بیشتر از گویش محلی در این حوزه ها هستند.

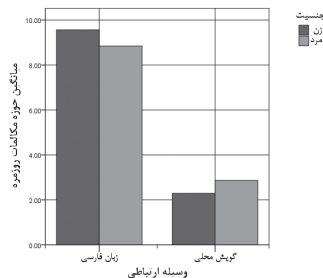
در نمودارهای ۷، ۸، ۹ و ۱۰ استفاده ی بیشتر از زبان فارسی معیار نسبت به گویش محلی توسط

گوشوران زن نسبت به مردان که نشانگر اثر متقابلی جنسیت بر وسیله ی ارتباطی است به خوبی قابل مشاهده است.

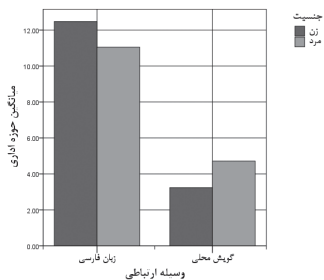
جدول ۷: حوزه مکالمات روزمره		جدول ۸: حوزه مقام پایین تر با بالاتر		
مقدار P	مقدار آماره (F)	مقدار P	مقدار آماره (F)	منبع تغییرات
816/0	054/0	724/0	125/0	جنسیت
000/0*	907/463	000/0*	739/518	وسيله ارتباطی
037/0*	431/4	001/0*	888/10	اثر متقابل
جدول ۹: حوزه بازار		جدول ۱۰: حوزه اداری		
مقدار P	مقدار آماره (F)	مقدار P	مقدار آماره (F)	منبع تغییرات
924/0	009/0	957/0	003/0	جنسیت
000/0*	871/137	000/0*	992/323	وسيله ارتباطی
015/0*	993/5	001/0*	264/11	اثر متقابل



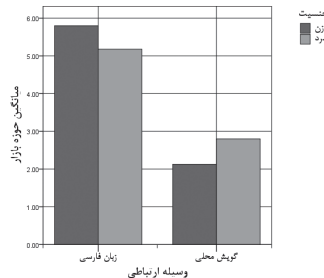
نمودار ۸: حوزه مقام پایین تر با بالاتر



نمودار ۷: حوزه مکالمات روزمره



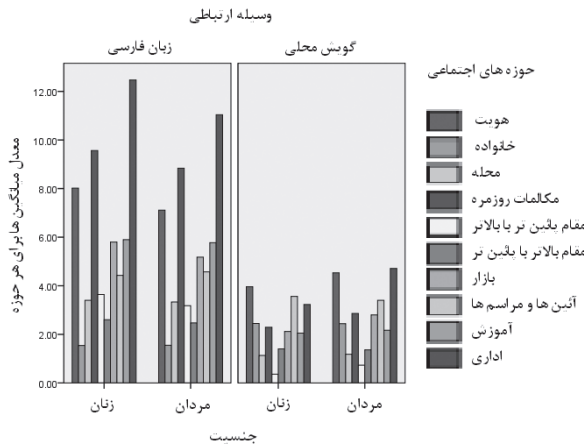
نمودار ۱۰: حوزه اداری



نمودار ۹: حوزه بازار

۶- بحث و نتیجه گیری

مطالعه حاضر تلاشی بود در جهت بررسی کاربرد گویش لامردی و مقایسه ی آن با زبان فارسی معیار در حوزه های مختلف ارتباطات زبانی شامل هویت، خانواده، محله، مکالمات روزمره، مکالمه مقام زبردست با مقام بالادست، مکالمه مقام بالادست با مقام زیر دست، بازار، مراسم ها و آیین ها، آموزش و اداری. بطور خلاصه، با توجه به نمودار ذیل (نمودار ۱۱) و در یک نگاه کلی مشاهده می کنیم که بجز حوزه خانواده در بقیه ی حوزه ها، تمایل به استفاده از زبان فارسی معیار بیشتر از گویش محلی است. همچنین در جامعه ی زبانی لامرد تمایل زنان به سمت استفاده از زبان فارسی معیار در حوزه های مختلف (بجز حوزه ی خانواده و حوزه مراسم ها و آیین ها) بیشتر از مردان است.



نمودار ۱۱: نگاه کلی

گرونوبل و ویلی^۱ (۲۰۰۶: ۱۸) معتقدند که زبانهای در معرض خطر^۲ نسبت به زبانهای ایمن^۳ کاربرد محدود تری دارند. بعبارت دیگر، زبان ایمن در تمامی حوزه های ارتباطی کاربرد دارد در حالیکه زبان در معرض خطر کاربرد محدودتری دارد. بنابراین با توجه به این نظر، شاید بتوان نتیجه گیری کرد که گویش لامردی از گویشهای در معرض خطر محسوب می شود که تنها در حوزه ی خانواده کاربرد دارد. اگر کاربرد آن همچنان محدود بماند، بیم آن می رود که بصورت تدریجی و با

^۱Grenoble & Whaley

^۲Languages at risk

^۳Safe languages

توجه به مرگ و میر گویشوران سالمند استفاده از این گویش حتی در حوزه ی خانواده نیز منسوخ گشته و ما شاهد انقراض گویش محلی در جامعه زبانی لامرد باشیم. این روند ممکن است حتی سرعت بیشتری بخود بگیرد زیرا چنانکه در بخش ۵-۳- مربوط به دسته دوم در مورد حوزه ی هویت مطرح شد، گویشوران لامردی گویش محلی را بخشی از هویت خویش قلمداد نمی کنند. از طرفی با توجه به تاثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی و اجتماعی-سیاسی بر زوال زبانها (ر.ک. به بخش ۱- مقدمه)، رشد چشم گیر مهاجرت نیروی کار ماهر و غیر ماهر از نقاط مختلف کشور به لامرد بدلیل توسعه ی سریع صنعت می تواند موجب تسریع در روند انقراض گویش محلی شود.

۷- پیشنهادات

چنانکه در بخشهای پیشین در مورد اهمیت فلسفه ی وجود گونگی زبانها از دیدگاه قرآن کریم (بخش ۲-۱-) و زبانشناسان (بخش ۲-۲-) مطرح شد، صیانت از گویش ها بعنوان بخشی از هویت جوامع امروزی ضروری است. پس ضروری بنظر می رسد که با توجه به نتیجه ی حاصل از این تحقیق نهادهای حقوقی و حقیقی شامل ادارت فرهنگی و آموزشی نظیر اداره فرهنگ و ارشاد، آموزش و پرورش، دانشگاههای دولتی، آزاد اسلامی، پیام نور و غیر انتفاعی تابناک، روحانیت، اساتید، معلمان و دیگر دلسوزان اجتماعی و ... هر یک به نوبه ی خود برای صیانت از گویش محلی بعنوان میراثی گرانبها شامل ادبیات، هویت فرهنگی، سنتها و آداب و رسوم چاره ای بیاندیشند. در غیر اینصورت متأسفانه شاهد انقراض گویش محلی خواهیم بود و این بدان معنی است که مثلاً بسیاری از آداب و رسوم خوب این مردم به تبعیت از آن از بین خواهد رفت. از همه مهم تر این آسیب می تواند چنان جدی باشد که هویت جامعه ی لامرد را در معرض خطر قرار دهد. بنابراین برای جلوگیری از خطرات جدی انقراض گویش لامردی در ذیل پیشنهاداتی جهت صیانت از آن ارائه می گردد.

۱. گسترش حوزه ی قلمرو گویش محلی به محیطهای رسمی تر مثل جلسات درون سازمانی اگر اکثر کارمندان بومی هستند.
۲. ارج گذاشتن به گویش محلی به طرق مختلف مثل برگزاری مراسم ها و نمایشگاه هایی با استفاده از گویش محلی برای طبقه ی جوان و نوجوان.
۳. پرهیز از تمسخر گویش محلی به هر طریق ممکن (مثل نمایشنامه هایی که از گویش محلی برای خندان حضار استفاده می کنند).
۴. جمع آوری ضرب المثلها، اصطلاحات و واژگان گویش محلی در قالب کتاب.



۵. تشکیل انجمنی رسمی جهت برنامه ریزی زبانی و تهیه خط مشی چگونگی ترویج و حفاظت از آن.
۶. موظف ساختن کارمندان ادارات و ... به استفاده از گویش محلی در برخورد با ارباب رجوع بومی
۷. ارائه درس گویش محلی بصورت اختیاری در دانشگاههای لامرد خصوصا اینکه شورای انقلاب فرهنگی نیز آن را تجویز کرده است.

منبع

- [۱] خوانساری، محمد. (۱۳۷۹). منطق. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- [۲] داوری اردکانی، نگار و سید مهدی موسی کاظمی (۱۳۸۷). گویش نائینی زوال یا بقا؟ فصلنامه گویش شناسی. شماره ۷ (چاپ اسفند ۱۳۸۹) ص ۴۲-۵۵.
- [۳] مظفر، شیخ محمد رضا. (۱۳۶۶). منطق. ترجمه ی صناعی دره بیدی، منوچهر، چاپ سوم، تهران: انتشارات حکمت
- [۴] یارمحمدی، لطف الله. (۱۳۷۴). زوال زبانها و لهجه ها. در نامه فرهنگستان علوم، ش ۲، ص ۲

[1] Campbell, L. (1994). Language death. In R. E. Asher , & J. M. Simpson (Eds.), The encyclopedia of language and linguistics (Vols. vol. 4, 1960-8). London: Pergamon Press.

[2] Fereiduni, J. (1998). A Sociolinguistic study on Multilingualism: A Domain Analysis Perspective. Shiraz: Shiraz University.

[3] Grenoble, L. A., & Whaley, L. J. (2006). Saving languages: an introduction to revitalization. Cambridge: Cambridge university press.

[4] Janse, M. (2003). Introduction: Language death and language maintenance: Problems and prospects. In M. Janse, & S. Tol (Eds.), Language Death and Language Maintenance: Theoretical, practical and descriptive approaches (pp. ix-xvii). Amsterdam: John Benjamins Publishing Company .

[5] Kramsch, C. (2009). Language and Culture. Oxford: Oxford University Press.

[6] Losa, L. (1975). Bilingualism in Three United States Hispanic Groups: Contextual Use



of Language by Children and Adults in their Families. *Journal of Educational Psychology*, 5(67), 617-627.

[7] Lund, N. (2003). *Language and Thought*. New York: Routledge.

[8] Mehrpour, S. (2007). *A Domain Analysis of Language Use in Talkhadash Speech Community*. Shiraz University. Shiraz: Unpublished paper.

[9] Mohammadi, F. (1996). *Sociolinguistic Investigation of Language Use: A Study on Domain Analysis*. Shiraz: Shiraz University.

[10] Parasher, F. (1980). *Mother Tongue-English Diglossia: A Case Study of Educated Indian Bilinguals' Use*. *Anthropological Linguistics*, 4(22), 151-168.

[11] Swadesh, M. (1948). *Sociologic notes on obsolescent languages*. *International Journal of American Linguistics*, 14, 226-235.